نگاه

راه دشوار مذاکره

سیاوش شهریور

● می‌گویند: «هرچیزی گذشته‌ای دارد» این امر شاید به آن مفهوم باشد که هر موضوعی گذشته‌ای دارد که می‌توان آن را بازسازی کرد و به چیزهای دیگر پیوند زد- مذاکرات ایران و گروه ۱+۵ طی این سال‌ها بر پایه همین گزاره قابل ارزیابی است. آنگونه که روشن است مذاکرات مذکور در پایان دولت اصلاح‌طلب جناب آقای خاتمی به حصول نتیجه نزدیک بود که آمریکایی‌ها با تحلیل‌های اشتباه، نگاه ایدئولوژیک و زیاده‌خواهی و اصرار بر موضوعات غیراصولی و حاشیه‌ای همراه با نوعی ظلم و احتکار علمی و پژوهشی باعث شدند مذاکرات به شکست بینجامد و دولت اصلاح‌طلب نتواند نتیجه‌ای از آن مذاکرات به‌نفع منافع ملی کشور بگیرد. بارها جک استراو، وزیر خارجه پیشین انگلیس به اشتباه غربی‌ها به‌ویژه آمریکا در آن مقطع اعتراف و آن را اشتباه خوانده است. نباید شک کرد که ذهنیت آمریکایی‌ها و گفتمان آن در حوزه دیپلماتیک نمی‌تواند از گذشته تاریخی روابط ایران و غرب خالی باشد، خوب است دو برش تاریخی را در این باب بازخوانی کنیم:

برش اول:

در فاصله هجوم اول مغول به سرکردگی چنگیز و هجوم دوم به فرماندهی هولاگو به ایران، یعنی در سال ۱۲۳۸/۶۳۷ رکن‌الدین‌خور شاه‌اسماعیلی، برای جلب کمک دول اروپایی بر ضدمغولان خونخوار، هیات سفارتی به اروپا فرستاد. ولی اروپا غافل‌تر و متعصب‌تر از آن بود که به این تقاضای خردمندانه پاسخ دهد. این هیات نیز توفیق نیافت، زیرا اسقف وینچستر، پس از شنیدن خبر ورود سفارت گفت بگذارید اینها یکدیگر را پاره کنند و نسل یکدیگر را براندازند. آن‌وقت ما روی ویرانه‌های شهرهای ایشان آیین کاتولیک را بنیان می‌نهیم. در این صورت دنیا یک شبان و یک گله بیشتر نخواهد داشت.*

برش دوم:

فرید ذکریا تحلیلگر شبکه خبری سی‌ان‌ان که از لحاظ فکری به اوباما هم نزدیک است، در بخشی از سخنان خود درباره وضعیت جاری در عراق و رویکرد آمریکا در این‌باره می‌گوید:

ببینید، اگر از جنبه سیاست واقع‌گرایانه به این امر نگاه کنیم، می‌توان گفت شمار بسیاری «افراد بد» یکدیگر را می‌کشند و این موضوع برای ایالات‌متحده چندان بد نیست.**

نگاهی به این دو برش تاریخی و موضع‌گیری دول اروپایی در آن زمان و تحلیلگران و واضعان سیاست در این زمان نشان از یک ذهنیت مشترک سیاسی و امنیتی است که بعد از قرن‌ها هنوز تغییر نکرده است. انگار روح لجوج جنگ‌های صلیبی و گفتمان دیپلماتیک قرون‌وسطی در روزگار ما حلول کرده است. تلاش دولت اصلاح‌طلب خاتمی هم در سنوات قبل نتوانست شبح این روح ویرانگر و لجوج را از سر مذاکرات بردارد و آمریکایی‌ها در مذاکرات هسته‌ای در آن سال‌ها بر مبانی‌ای انگشت گذاشتند که به‌جز زیادخواهی لجاجت و بی‌منطقی نمی‌توان نامی برای آن یافت.

بسیاری از تحلیلگران داخلی و خارجی یکی از دلایل اصلی ناکامی اصلاح‌طلبان در ایران را مدیون تحریم، محاصره اقتصادی، بایکوت سیاسی- مخالفت و شیطنت غربی‌ها به‌ویژه آمریکایی‌ها می‌دانند که باعث شدند دولت اصلاح‌طلب آقای خاتمی نتواند به همه وعده‌های اقتصادی- اجتماعی خود جامه‌عمل بپوشاند.

جدای از فرصت‌سوزی‌ها، خودخواهی‌ها و زیادخواهی‌های دول اروپایی و آمریکا در جریان مذاکرات هسته‌ای در دوران اصلاحات، بیانات نسنجیده و غیرکارشناسی هشت‌ساله دولت گذشته نیز بر حجم بی‌اعتمادی و تردید در هر دو اردوگاه افزوده است. دولت تدبیر و امید اکنون بر میراثی از یک تاریخ راه دشوار، مذاکره هسته‌ای را دوباره پس از یک دوره التهاب و لجاجت آغاز کرده است.

به‌علاوه این بی‌اعتمادی ملی (چه اصلاح‌طلبان، چه اصولگرایان) به غرب که دارای پیشینیه و سابقه تاریخی نیز است باید بر یک نکته پای فشرد که تحول‌خواهان درایران به دور جدید مذاکرات ایران و غرب به دیده یک امتحان تاریخی برای راستی‌آزمایی غرب در حوزه اشتیاق به مدرنیزاسیون در ایران نگاه می‌کنند. آنان باید بدانند نگاه تیزبین ملت ایران در رصد رویکرد جدید غرب به حمایت از تحولات اصلاح‌طلبانه در همه حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از دروازه اهتمام آنان به ایجاد یک توافق جامع با دولت تدبیر و امید در این برهه حساس وابسته است. هر کارشکنی، زیاده‌خواهی، انحصارطلبی و باج‌خواهی می‌تواند شیشه عمر ادعای آنان را در حمایت از اصلاح و اعتدال در ایران در چشم مردم ما بشکند. این‌بار اما آنان باید بدانند خاطره دشمنی و اجحاف و ظلم و اشتباه اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها بیشتر از تنفر از کودتای ۲۸مرداد در اذهان ملت ما خواهد بود.

*(منبع: کتاب ایران و جهان- از مغول تا قاجاریه- نوشته، عبدالحسین نوایی- صفحه۲۸)

**(منبع: سایت تابناک پنجم تیر۱۳۹۳)

«گری سیمور» مشاور سابق «اوباما» و «کلینتون» در گفت‌وگو با «شرق» بررسی کرد

دشواری‌های توافق هسته‌ای

محمد حاجی‌محمدی

خیلی‌ها او را یکی از طراحان اصلی سیاست «چماق و هویج» آمریکا درقبال مساله هسته‌ای ایران می‌دانند. چه این امر صحت داشته باشد یا نه، «گری سیمور» بیش از سه‌دهه از عمر خود را صرف مسایل هسته‌ای کرده و بابت این امر نیز مدال افتخار وزارت دفاع را برای نقش سازنده خود در توافق هسته‌ای آمریکا با کره جنوبی در ۱۹۹۴ دریافت کرده است. «سیمور» قائم‌مقام اوباما در شورای روابط خارجی، مشاور ارشد اوباما و کلینتون بوده و مستقیما از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ در مذاکرات ۱+۵ با ایران مشارکت داشته است. او علاوه بر سمت‌های دولتی، رییس انجمن «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» و مدیر اجرایی «بلفر سنتر» دانشگاه هاروارد و عضو ارشد مرکز تحقیقات استراتژیک لندن نیز است. صادقانه بگویم، با توجه به همه این موارد و لحن گاه‌گاه تند او علیه برنامه هسته‌ای ایران، انتظار پاسخ نداشتم یا حداقل انتظار پاسخ‌های بسیار تندروانه‌ای داشتم؛ اما در کمال تعجب و با حسن نیت پاسخ تمامی سوالات را داد؛ پاسخ‌هایی که با وجود محتاطانه - و گاه یک‌سویه - بودنشان، به‌وضوح حکایت از آن دارند که سیمور بسیار خوشبین‌تر از گذشته به برنامه هسته‌ای ایران و توافق هسته‌ای می‌نگرد. گری سیمور در گفت‌وگو با «شرق» از سیاست‌های کلینتون و اوباما، نتایج مذاکرات، تاثیر مسایل منطقه بر مذاکرات و رابطه ایران و آمریکا سخن گفت. مرور دیدگاه‌های «گری سیمور» در مورد شرایط مصالحه هسته‌ای ایران و غرب، به‌ویژه از این رو اهمیت دارد که می‌توان آن را به‌عنوان برآیند نگاه بخشی تاثیرگذار در تعیین سیاست‌های خارجی کاخ سفید ارزیابی کرد، به ویژه زمانی که «جان کری» وزیر امورخارجه آمریکا پس از مذاکراتی نفس‌گیر با همتای ایرانی خود، وین را برای مشورت با اوباما به مقصد واشنگتن ترک کرده است.

در ابتدای ریاست‌جمهوری حسن روحانی، شما اظهار کرده بودید که رویکرد حسن روحانی در مساله هسته‌ای همانند محمود احمدی‌نژاد است. حال بعد از گذشت یک سال و با توجه به تایید اخیر فعالیت‌های هسته‌ای ایران از جانب سازمان بین‌الملل انرژی اتمی و همچنین توافق اولیه، آیا همچنان معتقدید که روحانی و احمدی‌نژاد مسیر مشابهی را طی می‌کنند؟

بله، استراتژی بنیادی هر دو رییس‌جمهوری یکی است. گسترش توان هسته‌ای از طریق برنامه غنی‌سازی در مقیاس صنعتی.

شما در بسیاری از مذاکرات هسته‌ای گروه ۱+۵ و ایران در حدفاصل سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ حضور مستقیم داشتید و قبل از آن نیز با دولت کلینتون درمورد برنامه هسته‌ای ایران همکاری می‌کردید. مشتاقم بدانم که از نظر شما سیاست اوباما و کلینتون نسبت به ایران چگونه بوده و چه تفاوتی با هم دارند؟

هم اوباما و هم کلینتون (همچون تمامی رییس‌جمهورهای آمریکا از زمان ریگان) هدف مشترکی داشته‌اند و آن، ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای بوده است. هرچند، دیپلماسی کلینتون بیشتر بر این متمرکز بود تا کشورهای دیگر همچون روسیه و چین را مجاب کند که با ایران همکاری هسته‌ای نداشته باشند؛ اما استراتژی اوباما حول محور توافقی با ایران می‌گردد که طبق آن، برنامه هسته‌ای ایران را در ازای لغو تحریم‌ها محدود کند.

در چند وقت اخیر، هم اوباما و هم روحانی به‌صراحت اعلام کرده‌اند که برای رسیدن به توافق جامع هسته‌ای جدی هستند. به نظر شما این جدیت ناشی از چیست و آنها در توافق جامع به‌دنبال چه هستند؟

اوباما به‌دنبال توافق جامعی است که ایران را از دستیابی به ابزارهایی که بتواند در تولید سلاح هسته‌ای موثر باشد بازدارد؛ روحانی نیز به‌دنبال توافق جامعی است که طبق آن تحریم‌های اقتصادی رفع شود و هر دو طرف امیدوارند با حل این موضوع دروازه‌هایی برای گسترش رابطه ایران و آمریکا باز شود.

جدای از مسایل اصلی مورد بحث در مذاکرات، چه مشکلات و چالش‌های داخلی و خارجی برای طرفین در رسیدن به توافق جامع وجود دارد؟ به عبارتی بهتر، چه فشارهایی بر دولت‌های دو طرف برای رسیدن یا ممانعت از توافق جامع وجود دارد؟

سیاست‌های داخلی هر دو طرف آنها را محدود کرده است. اوباما نمی‌تواند یک توافق جامع هسته‌ای را به کنگره ببرد که در آن توافق امکان تحصیل سلاح هسته‌ای برای ایران وجود داشته باشد. از طرف دیگر، روحانی نیز نمی‌تواند توافق هسته‌ای را به رهبر معظم ایران ارایه دهد که طبق آن ایران موظف باشد از امکانات هسته‌ای خود دست بکشد.

خانم هیلاری کلینتون در آخرین کتاب خود (تصمیم‌های دشوار) می‌گوید که در دوره زمامداری خود بر وزارت خارجه آنها مذاکرات سری را برای حل مساله هسته‌ای ایران در پیش گرفتند؛ اما امروز ما شاهد نوعی سیاست عمومی از سوی طرفین هستیم. ظریف پیام تصویری ارسال می‌کند و جان کری در مطبوعات یادداشت می‌نویسد. به نظر شما دلیل این چرخش استراتژیک چیست؟

اوباما از آن‌جهت با مذاکرات سری موافقت کرد که تهران ترجیح می‌داد رابطه مستقیم ایران و آمریکا سری باشد. حال که ایران موافقت کرده گفت‌وگوهای دوطرفه مستقیم و علنی با آمریکا داشته باشد، دیگر نیازی به مذاکرات سری نیست.

درباره مذاکراتی که هم‌اکنون در وین در جریان است، مقامات می‌گویند که هنوز شکاف‌های زیادی بین طرفین وجود دارد به نظر شما مهم‌ترین آنها کدام است؟

اصلی‌ترین اختلاف بر سر میزان و مدت‌زمان اعمال محدودیت‌های فیزیکی بر سر برنامه غنی‌سازی ایران است. گروه ۱+۵ از ایران می‌خواهند تا از قدرت غنی‌سازی حال حاضر خود به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای بکاهد. این خواسته ۱+۵ شامل تعداد و نوع سانتریفیوژها و همچنین ذخایر اورانیوم کم‌غنی‌شده ایران است و از ایران می‌خواهند تا این محدودیت‌ها را برای یک‌دهه اعمال کند. از سویی دیگر ایران از هرگونه وقفه و اختلال در قابلیت‌های غنی‌سازی حال حاضر خود سر باز زده است و اصرار دارد که به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای برنامه غنی‌سازی خود را در دهه آینده افزایش دهد.

نقش مسایل و بحران‌های منطقه و به‌ویژه مساله داعش در عراق در جریان مذاکرات هسته‌ای چگونه است و چه تاثیری بر آن خواهد گذاشت؟

فکر نمی‌کنم بحران عراق تغییر بنیادی بر مذاکرات هسته‌ای شش قدرت جهانی و ایران داشته باشد، هرچند بحران عراق، انگیزه ایران و آمریکا برای رسیدن به نتیجه تا ۲۰ جولای را تقویت می‌کند.

کارشناسان نتایج و پیش‌بینی‌های متفاوتی برای نتیجه این دور از مذاکرات در نظر گرفته‌اند. از شکست مذاکرات گرفته تا توافق جامع نهایی. به نظر شما نتیجه نهایی این دور از مذاکرات چه خواهد بود؟

هم واشنگتن و هم تهران ترجیح می‌دهند به‌جای شکست مذاکرات، توافق اولیه تمدید شود. برای آمریکا، توافق اولیه باعث شد تا برنامه هسته‌ای ایران متوقف شود بدون اینکه لازم باشد تحریم‌های اصلی لغو گردد. از طرفی دیگر، توافق اولیه به‌صورت گسترده‌ای از فشارهای اقتصادی بیشتر علیه ایران جلوگیری کرد بدون اینکه نیاز باشد تا ایران امتیازهای هسته‌ای بنیادی داده باشد. بنابراین درصورتی‌که توافق جامع عملی نباشد، من انتظار دارم دو طرف با تمدید توافق اولیه موافقت کنند.

سوال آخر، وزرای امورخارجه ایران و آمریکا این دور از مذاکرات را فرصتی تاریخی دانسته‌اند و ابراز کرده‌اند که هیچ‌کس نباید این فرصت را از دست بدهد. آیا شما نیز با آنها متفق‌القولید و در صورت تحقق، رابطه ایران و آمریکا در آینده چگونه خواهد بود؟

توافق هسته‌ای می‌تواند فرصتی برای گسترش رابطه ایران و آمریکا باشد اما به هرروی هنوز بر سر مسایل زیادی بین تهران و واشنگتن اختلاف‌نظر وجود دارد.

مصباح‌یزدی:

آدم شک می‌کند که اینها عاقل هستند یا دیوانه!

شرق، مهسا بابایی: بیش از گذشته پا به میدان گذاشته است. موضع‌گیری‌هایش اندک‌اندک شبیه هشت سال ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی می‌شود، هم از نظر کیفی و هم کمی! اکنون دیگر پدر معنوی و راهنما و مرشد گروهی است که شدیدترین موضع‌گیری‌ها را علیه رییس‌جمهوری و اعضای دولت دارد. جبهه‌ای که می‌تواند نبض تحرکات اصولگرایان را به دست گیرد و حتی مجلس را تحت‌تاثیر خود قرار دهند. آیت‌الله محمدتقی مصباح‌یزدی در جدیدترین اظهاراتش، با بیان اینکه «برخی دولتمردان تنها رفع احتیاجات دنیایی مردم را وظیفه خود می‌دانند» گفت: «آنها برداشتن تحریم‌ها، رفع تورم و حل معضل بیکاری را مهم‌ترین دغدغه خود می‌دانند اما حتی همین کارها را نتوانستند انجام دهند.» به گزارش خبرگزاری رسا، مدیر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، با بیان اینکه برخی بالاترین وظایف خود را محدود به لذایذ دنیا می‌دانند، افزود: «نهایت کاری را که این افراد وظیفه خود می‌دانند آن است که هرچه مردم می‌خواهند فراهم کنند آن هم نه در چارچوب دین، بلکه هرچه بخواهند.» مصباح‌یزدی که در سال‌های گذشته با حمایت‌های مکرر و محکم خود از دولت احمدی‌نژاد به‌عنوان روحانی حامی دولت‌های نهم و دهم شناخته شده بود، ادامه داد: «اگر کسی صحبت از آخرت کند اینها می‌گویند شما بیکارید که فکر آخرت مردم هستید ما کار داریم و باید تحریم‌ها را برداریم؛ حالا دیدیم که چقدر هم تحریم‌ها برداشته شد، کار ایجاد شد، گرانی‌ها برطرف شد!»

بیش از این نمی‌فهمند

استاد اخلاق حوزه علمیه قم با بیان اینکه «همه فسادها زیر سر حب دنیاست» گفت: «خداوند می‌فرماید آن کسانی که از یاد ما اعراض می‌کنند را رهایشان کن، پایه علم اینها همین اندازه است و بیش از این نمی‌فهمند؛ علم اینها به آخرت که می‌رسد ته می‌کشد.» عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم عشق به پست، مقام و ریاست را یکی از دلبستگی‌های دنیایی دانست و افزود: «انسان وقتی برخی اشخاص را می‌بیند واقعا تعجب می‌کند و شک می‌کند که اینها عاقل هستند یا دیوانه‌اند! وقتی از دور اینها را نگاه می‌کنی مخصوصا با درنظرگرفتن سوابقشان، تعجب می‌کنی از اینکه اینها دنبال چه می‌گردند؟!» او که همواره از منتقدان سرسخت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی است می‌گوید: «آدمی که پایش لب گور است و به قدری دارد که اگر خودش و هفت پشتش بخورند تمام نمی‌شود؛ حرف‌هایی نامربوط می‌زند و آبروی خود و اطرافیانش را می‌برد؛ محبت خدا در دل چنین شخصی جای نمی‌گیرد چراکه این دو محبت با یکدیگر تناسبی ندارد، مثل نور و ظلمت است؛ خداوند اگر پیش‌تر عنایت و توجهی به این فرد کرده باشد، از دلش می‌کند. انسان وقتی این افراد را می‌بیند بسیاری از معماهای تاریخی برایش حل می‌شود؛ کسانی در صدر اسلام و در دوران غربت به پیامبر(ص) ایمان آوردند و همراهی و کمک کردند؛ حتی از آزار و اذیت مشرکان به حبشه فرار کردند و مدت‌ها آنجا زندگی می‌کردند.» مصباح‌یزدی روحانی تاثیرگذاری است. او می‌تواند جمعی را با خود همراه کند و انتقادهایش همواره از سایر منتقدان بی‌پرواتر و صریح‌تر است. این روحانی اصولگرا که در هشت‌سال دولت احمدی‌نژاد با وجود مشکلات و بحران‌های عدیده برای کشور، سیاست حمایتی همه‌جانبه‌ای را در پی گرفته بود، اکنون به این نتیجه رسیده است که باید دولتمردان را نسبت به خطرات و مضرات بسیاری مسایل آگاه کند. او از انتخابات مجلس در سال ۹۰ خواستار نقش‌آفرینی بیشتری در عرصه عمومی سیاست شد و شاید به همین دلیل بود که از سایه بیرون آمد و همان زمان آغاز رسمی فعالیت‌های سیاسی و انتخاباتی‌اش پس از سال‌ها بود. وی این روزها سعی می‌کند با خطاب قراردادن روحانی و تیم دولت نقش سال‌های اصلاحات را به دست آورد به ویژه که اکنون نیز جبهه و گروه هم دارد. او همچنین در خرداد ۱۳۹۳ در سالروز وفات امام خمینی(ره) در جمع اعضای کاروان پیاده عازم حرم امام خمینی در پاسخ به سخنان حسن روحانی که گفته بود «برخی دچار توهم هستند و مدام غصه دین مردم را می‌خورند در حالی که نه دین را می‌شناسند و نه آخرت را» گفته بود: «برخی از افراد عمامه به سر که دارای مسوولیت هستند، در واکنش به اجتماع مردم درخصوص بدحجابی و نگرانی علما از وضع دین و فرهنگ و تجمع روحانیت در فیضیه، آنها را کسانی معرفی می‌کنند که اسلام را نشناخته‌اند و آنها را متهم به توهم می‌کنند. باید از وی پرسید مگر خود تو دینت را از کجا یاد گرفته‌ای؟ از فیضیه یا از انگلستان؟ جدایی دین از سیاست و بیان این مطلب که دین وظیفه روحانیت است، نه دولت، همان شعار جبهه ملی است که متاسفانه امروز از سوی برخی مسوولان عمامه به سر مطرح می‌شود.» مصباح‌یزدی در دیدار با اعضای شورای مرکزی حزب موتلفه اسلامی نیز گفته بود: «مهم‌ترین معضل و مساله در کشور ما، اقتصاد و مادیات نیست، بلکه همان هدفی است که به خاطر آن، انقلاب شد. اگر قرار بود مشکل اصلی ما، اقتصاد و مادیات باشد، که در این صورت اگر انقلاب نمی‌کردیم، بهتر بود؛ چراکه در آن زمان نه تحریمی دامنگیر ملت ایران بود و نه مشکل انرژی هسته‌ای داشتیم و الآن در وضعیت پیشرفته‌تری بودیم. به نظر می‌آید این روحانی اصولگرا قصد ندارد سر سازگاری با دولت داشته باشد و می‌خواهد هر روز با موضع‌گیری‌های انتقادی‌اش، بیش از پیش ردای ریش‌سفید و بزرگ قومی را بر تن کند، به ویژه وضعیت آیت‌الله مهدوی‌کنی رییس جامعه روحانیت مبارز که از تفکر معتدل‌تری نسبت به مصباح بهره دارد، این فرصت را برای مدیر موسسه آموزشی امام خمینی مهیا کرده است که بخواهد این نقش را ثابت کند و پرچم مخالفت با دولت را در دست گرفته و جلوتر از بقیه با این پرچم مانور دهد.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● متاسفانه در خیابان استاد حسن بنا مجیدیه جنوبی حدفاصل رسالت و رودخانه مجیدیه وانتی‌های دستفروش و سیار کنار مغازه‌های میوه‌فروشی می‌ایستند و مانع کسب‌وکار ما می‌شوند. با اینکه چندبار به معبربان‌های شهرداری اعلام کرده‌ایم ولی متاسفانه هیچ‌گونه اقدامی نکرده‌اند، این در حالی است که مغازه‌ها مالیات اجاره‌بها، پول آب و برق و گاز هم پرداخت می‌کنند. از شهرداری منطقه هفت، درخواست رسیدگی داریم.

● خودروسازی ده‌هاسال است که دست روی کشور انداخته و غیر از منفعت خود به چیز دیگری فکر نمی‌کند. دیدیم که با جنگ زرگری که بین شورای رقابت و خودروسازان به نمایش گذاشته شد چه بر سر قیمت خودرو آوردند. عرض بنده این است که چرا اجازه می‌دهند این عده با سوءمدیریت خویش مردم را نسبت به دولت بدبین کنند.

● گلایه از شعبه ۱۸ تامین اجتماعی: شعبه ۱۸ سازمان تامین اجتماعی، بدون اینکه به مستمری‌بگیران و بازنشستگان این سازمان از طریق پیامک اطلاع دهد، حق اولاد آنان را کسر می‌کند. در حالی که بسیاری از آنان فرزندان دانشجو دارند و از این‌رو قبل از قطع حق اولاد، باید مراتب را اطلاع‌رسانی کنند تا آنها گواهینامه مربوطه را به‌موقع ارایه دهند. بیژن. ن از تهران

● سوال من از معاونت محترم غذا و دارو وزارت بهداشت‌ودرمان این است که چرا برخلاف رای دادگاه عدالت اداری مبنی بر غیرقانونی‌بودن دریافت حق فنی توسط داروخانه‌ها از بیماران، متاسفانه اعلام می‌کنند این کار قانونی است. آیا این خود نوعی قانون‌گریزی و ظلم به بیماران نیست؟

یک مخاطب از خرم‌آباد

● مدتی است قبض گاز خانگی نه از اینترنت و نه توسط پستچی دریافت می‌شود و هیچ‌گونه راه تماس با شرکت گاز منطقه نیست، درواقع سیستم یک‌طرفه است. بنده توانایی رفتن به شرکت گاز را ندارم و از طریق پیامک هم فقط سه شماره اعلام می‌شود: دو تا برای پرداخت و دیگری مهلت پرداخت. لطفا مسوولان شرکت گاز، فکری به‌حال سالخوردگان کنند.

● اینجانب مالک یک‌دستگاه خودرو زانتیا آخرین مدل هستم که خودبه‌خود و در یک پارکینگ عمومی آتش گرفت. کارشناسان آتش‌نشانی و قوه‌قضاییه علت را نقص فنی خودرو اعلام کردند که بنده هم اعلام دعوی کردم لازم به ذکر است چندین نمونه دیگر از همین خودرو دقیقا به همین شکل آتش گرفته که بنده تمامی مدارک آنها را تهیه و در اختیار دارم و قابل ارایه است.